

بخش دوم

پونیهودیان

با فرهنگ ایران زمین



پروفسور امنون نتصر در این  
بخش از گفت و گوها به  
بیان پیشینه تاریخی یهودیان  
ایران و سهم فرهنگی آنان  
در این سرزمین می پردازد

## گفت و گوی سوم

# “تومار استر”، یک ماجرای باستانی در تاریخ مسرک یهود و ایران



استر شهبانوی یهودی ایران به حضور پادشاه ایران زمین شرفیاب می شود

پرسش - تصور می کنم که یکی از نمونه های برجسته آن رابطه تاریخی بین یهود و ایران که شما در گفت و گوهای پیش به آن ها اشاره کردید و گفتید که این روابط از ۲۷۰۰ سال پیش آغاز گردیده، "تومار استر" (מְגִלַּת אֶסְתֵּר Book of Esther) است که داستانی از دوران پادشاهی به نام "آخشوروش" (אַחַשְׁוֵרֶשׁ Ahasuerus) در ایران است که یک شهبانوی یهودی به نام "استر" داشت. این صحیفه بخشی از مجموعه نوشتارهای کتاب مقدس یهود را تشکیل می دهد که تورات قسمت اول و عمده آن است. بسیار مایلیم که درباره "تومار استر" و چگونگی نگارش آن و محتوای این نوشتار و همچنین رابطه ای که در آن دوران بین دو ملت وجود داشته اطلاعات بیشتری را از زبان شما بشنویم.

پاسخ - من برای بار چندم تاکید می کنم و اجازه می خواهم که به عنوان یک پژوهشگر این رساله را مورد بررسی قرار دهم و نه از دیدگاه مذهبی که "تومار استر" را یک نوشتار دینی می داند و این گونه با آن برخورد می کند. رویدادهای این نوشتار به خوبی نشان می دهد که ایران

در آن دوران باستان چگونه اداره می شده است و این مطالب کم و بیش شبیه نوشته های دیگری است که در این مورد توسط منابع متعدد نگاشته شده و در دسترس ما قرار دارد.

اشاره من به ویژه به نوشته های مورخین یونانی درباره دوران ایران باستان و اداره کشور در آن زمان است. به ویژه ما به دوره خشایارشا می پردازیم که احتمالاً نام "اخشوروش" به عنوان امپراطور ایران در تومار استر همانا خشایارشا است.

**پرسش -** بله، ولی پیش از آن که به ارزیابی تاریخی و پژوهشی این کتاب بپردازید، تمنا می کنم توضیح دهید که ماجرای توصیف شده در "تومار استر" از چه قرار است؟

**پاسخ -** پیش از آن اجازه دهید دوباره بر این نکته انگشت گذارم که بخشی از این کتاب مورد پژوهش دقیق علمی قرار گرفته و مطالبی که در آن هست مطابقت می کند با نوشتارهای محققین یونانی که درباره شیوه مدیریت در ایران باستان مطالبی نگاشته اند. ولی بخش دیگری از مطالب این داستان، برخی محققین را به این نتیجه می رساند که کتاب استر در دو دوره زمانی جداگانه نگاشته و تکمیل شده است.

بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که البته درست است که رویدادهای این تومار از نظر موضوعی و مضمونی با دوران پادشاهی هخامنشیان در ایران هم زمانی دارد، ولی در ایامی دیرتر از آن دوره به رشته تحریر کشیده شده است. احتمال دارد که نگارش این تومار در دوره اشکانیان بوده باشد.

درباره محتوای این داستان، به صورت خیلی فشرده می توان گفت که شاهنشاه ایران در تومار استر "اخشوروش" نامیده می شود و این یک اسم عیلامی است. در حاشیه باید بگوییم که حتی نام "کوروش" یک واژه عیلامی است که وارد زبان پارسی باستان گردیده است. از نظر زبان شناسی احتمال زیاد می رود که نام "اخشوروش" همان "خشایار" است.

برگردیم به داستان، آن گونه که در تومار استر آمده است بین پادشاه و شهبانو یک اختلاف خانوادگی به وجود می آید. ملکه ایران "وشتی" (וַשְׁתִּי Vashti) نام داشته که مثل بسیار از اسامی دیگری که در تومار استر آمده، یک نام ایرانی است. اگر به بررسی این نام بر اساس فرس قدیم و زبان اوستائی و دوران ایران باستان بپردازیم، به واژه "وهشتی" (Vahešti) برخورد می کنیم که به مفهوم "بهترین" است. "وه" به مفهوم "به" و "شتی" جنبه صفت تفضیلی "ترین" دارد که با هم مفهوم "بهترین" را می دهد.

شهبانوی ایران زن زیبایی بود که پادشاه هنگام برگزاری جشن و سروری با حضور سران حکومت او را به تالار ضیافت فرا خواند تا زیبایی وی را به همگان بنمایاند. ولی ملکه از این دستور سرپیچی کرد و پادشاه او را از مقام شهبانویی برکنار ساخت و به جستجوی یافتن همسر دیگری برخاست که لیاقت ملکه شدن را داشته باشد و از میان همه دوشیزگان برگزیده یکی را انتخاب کرد که هداسا (הַדַּסָּה Hadassah) نام داشت، ولی او را استر (אֶסְתֵּר Esther) خطاب می کردند و یک دختر یهودی بود که پسر عمویش به نام مردخای (מַרְדֳּכָי Mordechai) که در دربار سلطنتی خدمت کرد به او توصیه کرد که دین خویش را پنهان نگاه دارد تا مبادا گزندگی به او وارد آید.

در آن دوران صدراعظم ایران که یک فرد بیگانه و غیر ایرانی و به روایتی اهل مقلونیه بوده و "هامان" نامیده می شد، به علت آن که مردخای یهودی حاضر نبود در برابر او سر تعظیم فرود آورد (زیرا در دین یهود هرگز نباید به انسان یا بت تعظیم کرد) کینه یهودیان را به دل سپرد و با استفاده از نفوذی که بر پادشاه داشت، با خدعه و نیرنگ فرمان قتل عام همه یهودیان امپراتوری ایران را از او گرفت.

پیش از آن رویداد، مردخای از یک توطئه در داخل دربار به هدف کشتن پادشاه پرده برداشته و جان پادشاه را نجات داده بود که این خدمت او در کتاب تواریخ ایام دربار سلطنتی به ثبت رسیده بود.

مردخای به دختر عموی خود استر می گوید هنگام آن است که به نزد پادشاه برود و بگوید همان قومی که وی به آن تعلق دارد، طبق فرمانی که هامان با حيله و ترفند از پادشاه گرفته، در خطر قتل عام قرار دارد. پادشاه از این شیادی صدراعظم خود که از اعتماد وی این چنین سوءاستفاده کرده خشمگین می شود و فرمان اعدام هامان و فرزندانش را صادر می کند و یهودیان از کشتار همگانی در همه ۱۲۷ ایالتی که امپراتوری ایران را در آن دوران تشکیل می داده نجات می یابند.

این به طور خلاصه ماجرائی است که در تومار استر شرح داده شده و یهودیان هر سال در عید "پوریم" (פורים Pourim) مقارن با چهاردهم ماه عبری ادار به پاس نجات از این خطر بزرگ و همگانی، مجالس جشن و سرور برپا ساخته و به شادمانی می پردازند.

حالا این داستان تا چه حد می تواند درست باشد و سندیت تاریخی داشته باشد، هنوز هیچ گونه مدرکی به دست نیامده که در این ارزیابی به پژوهشگران بتواند کمکی کند. شوربختانه منابع دیگری نداریم که این نوشتار را بتوانیم با آن ها مقایسه کنیم. هیچ تاریخ نویسی نیز در آثار خود به جریاناتی اشاره نکرده است که شبیه این داستان باشد و یا وقوع آن را تأیید کند.

**پرسش -** ولی این واقعیت که یهودیان می آیند و داستانی را می سازند که شما می گوئید جنبه مذهبی ندارد، ولی وقایع آن در سرزمین ایران می گذرد. آیا این نمی تواند نماد روابط عمیق تاریخی و فرهنگی دیرینه ای باشد که بین یهودیان و ایران زمین وجود داشته است؟

**پاسخ -** بدون شک این سخن درست است. ولی اجازه بدهید در همین رابطه مطالب بیشتری بگویم: در رشته گفت و گوهای پیشین توضیح داده بودم که "کتاب مقدس" یهودیان از سه بخش تشکیل شده که نخست آن تورات مقدس است که خود دارای پنج صحیفه می باشد. پس از آن نوشتارهای انبیای یهود است و بخش سوم شامل نبی های کم اهمیت تر و یک رشته نوشتارهای ادبی و معنوی و داستان ها و رویدادهاست. تومار استر در این بخش سوم کتاب مقدس قرار دارد. در دوران قدیم، دورانی که ما آن را "سنهدرین" (סנהדרין Sanhedrin - شورای قانونگزاری حکمای یهود) می خوانیم، این رهبران یهودیان نمی خواسته اند که تومار استر به عنوان بخشی از کتاب مقدس در آید و در آن گنجانیده شود.

در هر حال باید بگویم که نه تنها تومار استر نشان همبستگی و روابط فرهنگی بین یهود و ایران است، بلکه نوشتارهای دیگری در کتاب مقدس یهود مانند کتاب عزرا، کتاب نحمیا،

کتاب دانیال و بخش هائی از کتاب یسعیای نبی (اشعیاء) با ایران مربوط می شود و نشان همبستگی فرهنگی میان این دو ملت باستانی است. اگر به دورانی که کتاب تلمود نگاشته شد برگردیم (در دهه های نخستین قرون اول میلادی)، در آن کتاب قطور و پرمحتوا مطالب بسیار بیشتری وجود دارد که از این رابطه فرهنگی و تاریخی و باستانی بین دو ملت حکایت می کند.

**پرسش - آیا تا آن جا که شما آگاهی دارید - و جنابعالی شخص بسیار فاضلی هستید - داستان های دیگر یهودی از این قبیل وجود دارد که وقایع آن نه در ایران، بلکه فرض بفرمائید در افغانستان رخ داده باشد؟ یا در حبشه یا یونان به وقوع پیوسته باشد؟**

**پاسخ -** داستان هائی شبیه و نظیر تومار استر وجود ندارد، ولی اگر شما در کتاب "میدراش" به جستجو بپردازید، مثلاً نام حبشه را می بینید و داستان هائی به آن سرزمین ارتباط داده شده است که با حضرت موسی مربوط می شود؛ ولی ما نمی دانیم که این ماجراها تا چه حد از نظر تاریخی درست بوده است. زیرا میدراش مجموعه ای از افسانه ها و حکایات و روایات است. ولی به طور کلی و اصولی می توانم بگویم که مجموعه داستان ها و رویدادهای مربوط به روابط یهود و ایران را که در کتب مقدس یهود وجود دارد، در مورد روابط این ملت با هیچ سرزمین دیگر و قوم دیگری نمی توان یافت.

**پرسش - آن هائی که نشسته و تومار استر و داستان ملکه یهودی ایران را به رشته تحریر کشیده اند، چه علل تاریخی یا فرهنگی و یا ادبی وجود داشته که بیایند و داستان یک ملکه یهودی را در سرزمین ایران پیاده کنند؟**

**پاسخ -** باید توضیح دهم که این موضوع که ممکن است یک دوشیزه یهودی در ایران به مقام شهبانویی رسیده باشد قابل قبول است و جنبه افسانه ندارد. ایران دست کم یک شهبانوی یهودی دیگر نیز داشته که شوشندخت نامیده می شده است که همسر یزدگرد اول بوده که در سال ۳۹۹ تا ۴۲۰ میلادی سلطنت می کرده و از خاندان ساسانیان بوده است.

در دوران های دیگر تاریخ ایران نیز شخصیت های یهودی وجود داشته اند، حتی در دوره قاجار بوده اند زنان یهودی که پادشاه آن ها را به همسری گزیده بود - و از جمله فتحعلیشاه و محمد شاه و ناصرالدین شاه .

ولی اجازه بدهید که این موضوع را بگذاریم برای صحبت های بعدی و اکنون به دوران استر بازگردیم و بگوئیم که بدون شک، همان گونه که در ابتدای این سخن به آن اشاره کردم، بسیاری از نقطه ها و گوشه های تومار استر با واقعیت های تاریخی آن زمان مطابقت دارد . منظور آن است که چنین شهبانویی در ایران بوده و چنین صدراعظمی وجود داشته که از نژاد غیرایرانی بوده و به تبار "آگاگی" یا "آجاجی" تعلق داشته که گویا از اطراف جزایر دریای ارژ و مقدونیه آمده بوده - که من آن صلاحیت علمی را ندارم که در این مورد به تفصیل صحبت کنم.

با این همه ممکن است پاره ای از رویدادهائی که در تومار استر آمده جنبه افسانه داشته باشد.

اجازه بدهید در مورد آن بخش هائی که نمی تواند قابل قبول باشد چند مثال ذکر کنم. در تومار استر آمده است که پادشاه ایران نه تنها فرمان قتل عام یهودیان را باطل کرد، بلکه به آنان اجازه داد که در سراسر ایران دشمنان خود و آنانی را که برای قتل آن ها توطئه کرده بودند، از پای در آورند. از دیدگاه من بعید می نماید که چنین امری ممکن است راست بوده باشد و احتمال بسیار قوی تر آن است که این امر یک نوع مبالغه و غلو عملی بوده است. یعنی، فرد یا افرادی که آمده و این بخش ها را به تومار استر اضافه کرده اند، شاید تا حدودی راه اغراق پیموده و گزاف گفته باشند. ولی اصل و بخش مرکزی تومار استر به دقت نگاشته شده و با تاریخ مطابقت می کند.

**پرسش - در این وقت کوتاهی که در این بخش از گفت و گو برای ما باقی مانده تقاضا دارم دوران کورش کبیر را از نظر تاریخ یهود ایران مورد جمع بندی و نتیجه گیری قرار دهید.**

**پاسخ -** بهترین نتیجه گیری که می توان از این دوره کرد، و این واقعا همان نتیجه ای است که به باور من همه یهودیان باید به آن پای بند باشند، این است که اگر کورش کبیر در ایران به پا نمی خاست، و اگر در آن مقطع تاریخی پادشاه دادگستر ایران نمی آمد فرمان رهائی یهودیان از اسارت بابل و بازگشت آنان به سرزمین پدری و دوباره سازی بیت المقدس یهود را صادر کند، چندان بعید نیست که یهودیان ممکن بود مسیر تاریخی متفاوتی داشته باشند که شاید می توانست سرگذشتی بسیار دردناک باشد.

حتی این را هم می توانم بگویم که اگر کورش کبیر نبود و یهودیان را آزاد نمی ساخت، نه تنها ممکن بود مسیر تاریخی ملت یهود تغییر یابد، بلکه شاید حتی ملت یهود به آن صورتی که امروز ما آن را می شناسیم، وجود نمی داشت.

**پرسش - در این جا می خواهم یادآوری کنید که کورش بزرگ نسبت به یهودیان چه کرد؟**

**پاسخ -** اولاً من و شما که این جا نشسته و با هم گفتگو می کنیم، و تمامی ملت یهود در سراسر دنیا، ملیون بزرگ منشی کورش کبیر هستیم و این دینی است که ما یهودیان وظیفه داریم همیشه آن را نسبت به فرزندان و نواده های آن رادمرد تاریخ، یعنی به ملت ایران بپذیریم و جبران کنیم - همان ملتی که امروز در ایران زیست می کند و همان ملتی که فردا نیز وجود داشته و پایدار خواهد ماند و هزاران سال دیگر نیز همچنان در آن سرزمین زنده خواهد بود و پابرجا خواهد ماند.

ما یهودیان این دین را نسبت به ملت ایران داریم و همیشه باید بکوشیم این دین خودمان را نسبت به آن ها ادا بکنیم - زیرا بی تردید کورش کبیر بود که موجب رهائی یهودیان گردید.

**امیر -** ما با این جمله از سخنان شما گفت و گوی این بار را به پایان می بریم، که اگر کورش کبیر نبود، و فرمان آزادی یهودیان از اسارت بابل را صادر نمی کرد، ملت یهود امروز تاریخ دیگری داشت.